

بسمه تعالی

عنوان :

فقر و نابرابری و اثر آن بر ناهنجاری های فردی و اجتماعی

گرد آورنده :

زهرا باقری

شماره دانشجویی :

93138044190026

واکنش های انسان ها در برابر فقر بسیار متفاوت است ولی می توان آنها را به نوعی دسته بندی نمود . از زمانی که نابرابری ها بین انسان ها به طور وضوح درک می گردد ، انسان ها ناخودآگاه دست به حالت هایی برای مقابله با آن می زنند ، حالت هایی که از مشکلات فردی شروع شده و در صورت عدم کنترل به تدریج به مشکلات اجتماعی منجر می گردند . این روند مراحلی را دارد که در ادامه پیرامون آن بحث می گردد .

**مرحله : اول درک ابتدایی از نابرابری و فقر**

در مرحله اول انسان پس از درک نابرابری ممکن است با نوع ابتدایی بی تعادلی روانی مواجه گردد ، مثلاً با مشکلات ساده ، پرخاش گرانه برخورد نموده و یا بی جهت با دیگران به خشونت پرداخته ویا به نوعی فراری از جامعه شده و با خود درگیر شود و بسیاری از حالات دیگر . این در شرایطی است که نابرابری درک شده ولی هنوز برای فرد به طور کامل حلاجی نشده است .

اگر دو کودک دوقلو را از طبقه فقیر (فقر اقتصادی) یک جامعه در نظر بگیریم ، چنانچه یکی از آنان در بین فرزندان افراد غنی جامعه تحصیل را شروع کرده و دیگری در بین فرزندان افراد هم طبقه خود به جامعه کوچک مدرسه وارد شود ، حالت پرخاش گری ویا خشونت و یا حالات دیگری از بی تعادلی روانی (در شرایط ابتدائی آن) در کودک اول طی مدت کوتاهی بروز می نماید ولی کودک دوم اگر تفاوت هایی را در محیط خود نداشته باشد ممکن است به این حالات دچار نشود . از نظر علم روانشناسی ثابت شده است که ، کودکانی که در گروه های غیر هم طبقه خود رشد می کنند دچار نوعی از بی تعادلی روانی می شوند . حتی اگر کودکی که از یک خانواده با طبقه اجتماعی بالا است در بین فرزندان طبقه فرودست جامعه رشد کند به دلیل کمبودهای ناشی از ارزش های حاکم بر آن جامعه که برایش ایجاد می شود همان رفتار را از خود نشان می دهد که در مثال قبل گفته شد ، و این نشان از همان فقری است که در آن جامعه برای این فرد بوجود آمده است .

مسلماً پس از عبور از مرحله ابتدایی بی تعادلی روانی نوبت به اعتراض و به دنبال آن جستجوی چرایی فقر می رسد . انسان می خواهد بداند که : چرا باید این اندازه نابرابری بین افراد وجود داشته باشد ؟ چرا باید این نابرابری ها شامل حال او شود ؟ چگونه می تواند از این نابرابری ها خلاص شده و هم تراز افراد دیگر گردد ؟ چگونه می تواند با نا برابری ها مبارزه کند ؟ و هزاران چرا و چگونه دیگر .

بسیاری از انسان ها در پی روند درک فقر و نابرابری به رویکرد مبارزه منفی گرایش پیدا می کنند یعنی با مخالفت های علنی و در برخی موارد غیر منطقی با همنوعان مقابل خود ، اعتراض خود را به شکاف ایجاد شده بیان می نمایند . این گونه اعتراضات در اکثر مواقع با برخوردهای متقابل روبرو شده و سرکوب می گردد .

البته نباید شرایط و عکس العمل های مربوط به مرحله درک ابتدائی نابرابری را به موارد محدود یاد شده ختم نمود و مسلماً این عکس العمل ها بسیار فراتر از این نمونه ها خواهند بود که روانشناسان ، بیشتر بدان خواهند پرداخت .

**مرحله دوم : ورود به مشکلات روانی ناشی از نابرابری و فقر**

مرحله دوم ، مرحله ای است که انسان از حالت بی تعادلی روانی به حالت ناراحتی روانی پای می گذارد . عقده خود کم بینی باعث بروز افسردگی در افراد شده و به تدریج آنها را از جامعه ای که در آن هستند دور کرده و به انزوا می کشاند . انزوا از شایع ترین رفتارهایی است که در این مرحله از درک فقر و نابرابری به عنوان سیستمی امنیتی به کمک فرد می آید .

افکار پریشان در خصوص عدم برابری با همنوعان باعث می شود که فرد به سمت جامعه ای کشانده شود که بتواند با اعضای آن تا حدودی برابری کند . این امر باعث می گردد ، افرادی که تا اندازه ای هم سطح وی بوده و یا روحیات او را درک می کنند و یا نشان می دهند که با او هم دردند و قادر به درک وی هستند را به هم صحبتی و هم فکری گرفته تا با مصاحبت آنان بتوانند تخلیه روانی نمایند .

این مرحله ؛ مرحله ای است که فرد از روش های عادی و متداول شاد شدن و شاد زیستن به مرور زمان فاصله گرفته و به قولی " مسیر پاداش" مغز خود را نمی تواند تحریک کرده و یا کمتر تحریک می کند . در این زمان فرد نیازمند آن است که این مسیر را با کمک عوامل ثانوی به تحریک وا دارد . ( برنامه کوله پشتی ، شبکه 3 سیما ، 9- مرداد-1386 ، معاون مرکز تحقیقات و مطالعات اعتیاد ، موضوع اعتیاد و روشهای مبارزه با آن )

**مرحله سوم : انتخاب روشی برای کاهش فشار روحی و روانی**

در این مرحله روش های خروج و رهایی از فشار روحی توسط فرد عمداً یا سهواً انتخاب می شود . انسان ها راه های متفاوتی را برای خلاص شدن از تمامی مشکلات روانی (به طور عام) و مشکلاتی که ناشی از فقر و نابرابریست (به طور خاص) تا کنون استفاده کرده اند که هرچند بسیاری از آنها مورد پسند عموم جامعه نیست ولی به عنوان یک سیستم امنیتی در برابر رفع برخی از مشکلات به کار گرفته می شوند . از جمله این راهکارها می توان به موارد ی که ذیلاً در خصوصشان بحث مختصری خواهد شد اشاره نمود .

**1. بی تفاوتی یا تقدیر گرایی**

برخی از انسان ها خود را با شرایطی که برایشان ایجاد شده است سازگار می نمایند . هرچند در برخی از اوقات از وضعیت موجود گلایه می کنند ولی شرایط را پذیرفته و آن را ناشی از شانس ، اقبال و تقدیر خود پنداشته اند . تقدیر گرایی سیستمی است امنیتی که در خیلی از فرهنگ های بومی و سنتی مانع از کجروی های انسان ها در برابر بروز مشکلات شده واز طرفی بسیاری از اعضای جوامع سنتی را در برابر فشار مسائل ومشکلات روزمره مقاوم ساخته است . همچنین باید به این نکته نیز اشاره نمود که تقدیر گرایی یکی از خرده فرهنگ هایی است که در بسیاری از مواقع مانع از تحرکات اجتماعی و مقابله با مشکلاتی همچون فقر شده است .

**2. عدم تحمل آسیب های روانی و رهایی از مشکلات دنیوی**

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد آستانه تحمل انسان ها در برابر مسائل و مشکلات زندگی بسیار متفاوت است . برخی از انسان ها آستانه تحمل پائینی داشته و قادر به پذیرش و مقابله با مشکلات نیستند . این گونه افراد ناخواسته سیستم های امنیتی خاصی همچون روان پریشی (حس آشفته ای از واقعیات همانند اسکیزوفرنی ، وخیم ترین نوع آشفتگی روانی) و یا خودکشی را در مقابله با پدیده هایی همچون نابرابری و فقر بر می گزینند .

**3. عکس العمل های روانی**

یکی از مکانیسم هایی که انسان ها در برابر آسیب های روانی از خود نشان می دهند رفتار های غیر متعادلی است که از حالت های شدید عدم تعادل روحی و روانی ناشی می شود . روان نژندی که به رفتارهای متمایز باشرایط روز معروف است (نوع خفیف آشفتگی روانی همانند اضطراب های بی مورد ، نگرانی های شدید در رابطه با مسائلی که از نظر دیگران بی اهمیت و یا کم اهمیت است ، ترس های شدید ولی بیهوده ویا وسواس های شدید و ... ) از حالت هایی است که در این شرایط ممکن است از سوی برخی از انسان ها بروز نماید . خود آزاری و دگر آزاری مانند فرزند آزاری ، همسر آزاری ، کودک آزاری ، زن آزاری و مرد آزاری (آزارهایی که یک فرد بر پایه جنسیت به دیگران می رساند) و به طور کلی سادیسم و مازوخیسم (این گونه انسان ها در ارتکاب این اعمال هدف مشخصی نداشته و تنها برای آرامش روحی خود دست به آزار خود یا دیگران می زنند) ، چند شخصیتی ، دروغ گویی ، خود بزرگ بینی ، پیش داوری در مورد گروه های خاصی از جامعه و رفتار ها و برخورد های منفی با آنها و ... همگی از واکنش هایی است که فرد به طور ناخواسته در برابر فشار های روحی و روانی ناشی از نابرابری و فقر ممکن است از خود نشان دهد . این رفتارها و واکنش ها برای فرد به عنوان یک سیستم امنیتی قلمداد شده و فرد را از رسیدن به ورطه پوچی یا بیماری هایی همچون اسکیزوفرنی و یا خود کشی ناشی از عقده ها و فشارهای روانی که به واسطه نابرابری و فقر ایجاد میگردد ، محافظت می نماید .

**4. پناه بردن به عوامل و مواد کمکی واسطه**

در بسیاری از اوقات ، فرار از فشارهای روانی به کمک عوامل ثانوی همچون داروهای آرام بخش ، الکل و مواد مخدر توسط انسان ها تجربه شده است . برخی از انسان ها به دلیل عدم تحمل فشارهای روانی و به دلیل فرار از ناملایمات سعی می کنند با کمک عوامل ثانوی ذهن خود را به طور مصنوعی از مشکلات خود تخلیه نمایند . این نوع گرایش انسان ها ، بکار گیری نوعی سیستم امنیتی به منظور فرار از افکار پریشان و ناملایمات زندگی است که آگاهانه یا ناآگاهانه از خطراتی که به دنبال خواهد داشت انتخاب می گردد .این گونه افراد به دلیل آنکه نمی توانند با روش های معمول مسیر پاداش مغز خود را تحریک نموده و از داشته های زندگی خود لذت ببرند ، متوسل به عوامل محرکی می شوند که ممکن است تبعات مخاطره انگیزی را به دنبال داشته باشد .

متأسفانه به واسطه وابستگی های شدیدی که برخی از این داروها و مواد برای انسان ایجاد می نمایند و یا ایجاد حالت هایی همچون مستی و یا توهمات شدید ، مصرف کنندگان این مواد بعضاً دست به اعمالی می زنند که جزء اعمال ناهنجار جامعه به حساب آمده و این امر باعث می گردد که این گونه افراد بجای آنکه بیماران جامعه محسوب شوند مجرمان جامعه قلمداد گشته و از شرایط عادی جامعه ترد گردند .

**5. باقی ماندن در بی تعادلی روانی اولیه**

برخی از انسان ها هرچند سعی می کنند با مسئله فقر و نابرابری کنار آیند ولی از آسیب های عصبی و بی تعادلی روانی که در مرحله اول درک نابرابری و فقر برای آنها ایجاد می شود رهایی پیدا نکرده بلکه به اشکال حادتری از آن نیز دچار می شوند .

این افراد به شدت پرخاش گر و عصبی بوده و در برخی از موارد دست به خشونت های بی مورد می زنند . اینان در تعامل با دیگران اغلب دچار مشکل بوده و انزوا طلبی را به شکل حاد خود برمی گزینند و از طرفی در رابطه با اغلب پدیده ها ، تصمیمات و اتفاقات معترض هستند . در محل کار خود ایجاد آشوب و بلوا می کنند و یا نسبت به تحریک دیگران علیه سیستم حاکم بر محیط کار و یا محل زندگی خود می پردازند . رفتار این گونه افراد در محیط کار و یا محل زندگی خود ابعاد سیاسی نداشته و آنها تنها به یک مبارزه بی تدبیر علیه نابرابری ها اقدام می نمایند .

این روش نیز نوعی سیستم امنیتی در جهت تخلیه عقده های روانی است که انجام آن (تخلیه روانی) و رسیدن به آرامش ، بیشتر از طریق فریاد زدن و بعضاً همراه با اعمال خشونت انجام می شود و البته در برخی موارد به دلیل عدم کنترل ، به صورت اعمالی به دور از هنجارهای اجتماعی تبدیل شده و فرد را در جامعه مجرم و خلاف کار می نماید .

**6. ایجاد حقوق نا حق برای خود و هم سطحان خود**

بسیاری از انسان هایی که از نابرابری و فقر (در هر بعد آن) رنج می برند در اعتراض با این پدیده از شیوه مبارزه منفی تبعیت نموده و با اجرای این روش به آرامش موقتی خود دست پیدا می کنند . این افراد برای اجرای این شیوه از روش های متفاوتی استفاده می نمایند که تماماً جزء رفتارهای ناهنجار جامعه محسوب شده و وجه مشترک تمام این روش ها نیز تفکر جایگزینی آن بجای حقوق از دست رفته است .

محصلی که به خاطر کم توانی تحصیلی جزء شاگردان ضعیف کلاس است چنانچه مورد بی مهری معلمین خود واقع شده و احساس کند که معلمین مدرسه بین او و شخص یا اشخاص دیگر فرق گذاشته و وی را مورد تبعیض قرار داده اند اگر به طور مثال جزوه یا کتاب یکی از شاگردان پیشرو کلاس را در نزدیکی های امتحان مخفیانه برداشته و نابود نماید احتمالاً این حق را برای خود ایجاد نموده که "حالا که وضع به این منوال است بهتر است او (شخص مقابل) هم درس نخوانده و از چشم معلمان بیفتد "

این روش نوعی صدمه زدن به افرادی است که به واسطه رفتار آنان نابرابری در بین اعضای جامعه بروز نموده است و عده ای از اعضای جامعه در قبال این نابرابری مورد ظلم واقع شده اند .

در نابرابری و فقر اقتصادی که در جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته نمود بسیار چشم گیری دارد رفتارهایی ازاین قبیل در انواع مختلف وجود دارد و این رفتارها تنها به واسطه نابرابری و فقر اقتصادی نبوده و نابرابری ها و فقر در ابعاد دیگر نیز در بروز این گونه رفتارها دخیل و سهیم و تشدید کننده نابرابری های اقتصادی می باشند .

افرادی که در این شرایط قرار می گیرند در اعتراض به نابرابری هایی که منجر به فقر آنان شده به اعمالی همچون دزدی ، غارت ، زورگیری ، قاچاق ، کم فروشی ، ارتشاء ، اختلاس ، کلاه برداری ، باج گیری ، بهره کشی ، آدم فروشی ، خود فروشی ، قتل و آدم کشی ، آدم ربایی و شکنجه ، تجاوز به عنف ، تکدی گری ، کلاه برداری ، استثمار دیگران تخریب شخصیت هم نوعان ، بکار گیری آزار های مخفیانه به منظور تحریک و واداشتن مخاطبین به عکس العمل های نا هنجار ، تلکه کردن دیگران و بسیاری از اعمال خلاف دیگر دست می زنند . اقدام به این اعمال کاملاً ارادی بوده و در جهت رهایی از فشار روحی و روانی ایجاد شده از نابرابری های موجود و تا حدودی نیز در جهت انتقام از افرادی است که به ضن وی ممکن است در ایجاد این نابرابری سهیم بوده باشند . البته بخشی از اهداف این افراد از انجام چنین اعمالی بدست آوردن قسمتی از حقی است که به نوعی از دست داده اند ، مثلاً فردی که به واسطه فقر مالی دست به دزدی ، کم فروشی ، بهره کشی از دیگران و ... و یا خود فروشی می زند بخشی از هدفش بدست آوردن پول است و خود را محق می داند که این پول را به نوعی غیر قانونی از کسانی بگیرد که قانون در ایجاد نابرابری و وضعیت مالی و اجتماعی بهتر آنان کمک نموده و یا در مقابله با آنان ناتوان بوده است . این روش نوعی مبارزه منفی با قانون به حساب می آید .

مسلماً به دلیل آنکه اعمال خلاف قانون طی کنترل های محسوس و نامحسوس جامعه ، شناسایی و سرکوب می گردد ، افرادی که به این اعمال دست می زنند کمتر انفرادی عمل نموده و همیشه سعی می کنند از هم سطحان خود کسانی را در کارهای خود شریک نمایند و لازمه این کار هم بوجود آوردن حقوق ناحق برای آنان است .

متأسفانه بیشترین ناهنجاری ها ، معضلات و آسیب های اجتماعی در تمام جوامع از رفتارهایی ناشی می شود که حاصل بدست آوردن حقی به صورت غیر قانونی است و چنانچه قانون در جهت احقاق حق همه اعضای جامعه تنظیم نشده باشد و یا قدرت اجرایی نداشته باشد این ناهنجاری ها ، معضلات و آسیب های اجتماعی به واسطه افزایش نابرابری ها ، روز به روز افزایش خواهد یافت .

**7. مبارزه با پدیده فقر و نابرابری**

یکی از عکس العمل ها و واکنش هایی که ممکن است برخی از افراد جامعه در برابر پدیده فقر و نابرابری از خود بروز دهند مبارزه منطقی و مدبرانه با آن است که شیوه های بسیار گسترده ای را دارد و البته ویژگی مشترک همه آنها رو در رو و آشکار بودن آنها است .

هر انسانی در شرایط بی عدالتی ، نابرابری و فقر به یکی از راه ها ی گفته شده و یا راه های دیگری که در این مجموعه ممکن است بدانها اشاره نشده باشد پناه می برد ولی این بدان مفهوم نیست که این گونه عکس العمل ها صرفاً به دلیل فقر و نابرابری بروز می کند . شرایط بد روحی و روانی از هر طریقی که ایجاد شود می تواند باعث برخی از این رفتارها گردد . البته اگر آن هم ریشه یابی شود مسلماً در آن پایه هایی از نابرابری یافت خواهد شد .

به طور کلی می توان گفت هرچه نابرابری در یک جامعه بیشتر باشد شدت ناهنجاری های اجتماعی حاصل از آن نیز در جامعه بیشتر خواهد بود . در تآیید این امر می توان به تعطیلی صنایع خودرو سازی جنرال موتورز امریکا در فلینت ایالت میشیگان اشاره نمود که با بالا رفتن نرخ بی کاری در آن شهر نرخ جرم و جنایت نیز افزایش یافت . (مستند 4 شبکه چهار سیما 6/1/86 ساعت 22) این شرایط در طول روند توسعه در تمام جوامع دنیا به نوعی بروز نموده و با آن مقابله شده است یعنی افزایش نابرابری موجبات بروز جرائم را فراهم نموده که جوامع مختلف به شکل های متفاوتی با این امر مقابله نموده اند .

همان طوری که قبلاً نیز گفته شد در تمام جوامع نابرابری وجود دارد ولی هرچه شکاف طبقاتی افزایش یابد فساد اجتماعی ناشی از آن نیز به طور تساعدی افزایش یافته تا جایی که از کنترل خارج می شود . در جوامعی که این شکاف در حد معقول و منطقی کنترل شده باشد ، با وجود درصدی از نابرابری اقتصادی ، این امر منجر به فساد اجتماعی نمی شود و در صورت وجود فساد باید آن را در ابعاد دیگری از نابرابری ریشه یابی نمود .